

مزایا و معایب علنی بودن رسیدگی کیفری و قابلیت اجرای آن

در مراحل مختلف رسیدگی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۶/۰۶)

سید جابر موسوی^۱

سطح سه حوزه علمیه قم

چکیده

اصل علنی بودن دادرسی یکی از معیارهای احراز عادلانه بودن دادرسی محسوب می‌گردد که منتج به تضمین حقوق اشخاص و ارتقای کیفیت رسیدگی کیفری می‌گردد، این اصل به عنوان یک اصل مقبول در اسناد بین‌المللی حقوق بشری و اساسنامه دادگاه‌های کیفری پذیرفته شده است، ولی آنچه مسلم است، این اصل به عنوان یکی از اصول مترقی و یکی از معیارهای دادرسی منصفانه، دارای فواید زیادی است. اما باید گفت علیرغم داشتن فواید زیاد، «علنی بودن همانند شمشیری دو لبه است که هم می‌تواند کارکردهای مثبت و هم کارکردهای منفی و مخرب داشته باشد.» مخصوصاً از جنبه‌های جرم‌شناختی که کارکردهای مثبت و منفی آن، بیشتر آشکار می‌گردد. اما در مجموع، فواید و مزیت‌های اجرای این اصل بیشتر از معایب و کارکردهای منفی آن می‌باشد. برای نیل به فواید علنی بودن و دوری از معایب آن باید با حزم و تدبیر کافی معایب آن را به دقت شناسایی و سعی در خنثی کردن آن نمود، در این جستار به معایب و فواید این اصل پرداخته ایم.

واژگان کلیدی: علنی بودن دادرسی، مصالح ملی، اخلاق حسنه، محاکمات غیرعلنی، اقتضای عدالت

بخش اول: مفهوم اصل «علنی بودن دادرسی»

«علنی» در لغت از عربی عِلْن و عَلِن به معنای آشکار و هویدا می‌باشد.^۱ «عَلْن، وصف محل وقوع جرمی است که امکان داشته باشد جمع غیر محصور بر آن وقوف یابند. در جرم منافیات عفت، مقصود از علن، آگاهی ثالث است. مکان غیرعلنی را اصطلاحاً «مکان محفوظ» می‌گویند. علنی بودن دادگاه؛ یعنی آزاد بودن ورود و خروج مردمان به جلسه دادرسی تا بتوانند از جریان آن آگاه شوند. این وسیله‌ای است برای منع پاره‌ای از انحرافات.»^۲ در قوانین ماهوی کیفری کنونی و هم‌چنین در هیچ یک از اسناد بین‌المللی، تعریفی از علنی بودن رسیدگی ارائه نگردیده است. در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ در تعریف علنی بودن مقرر شده بود که «از نقطه نظر جزایی مقصود از ارتکاب عملی به طور علنی، ارتکاب آن در مرئی و منظر عموم است، اعم از اینکه محل ارتکاب آن از امکانی عمومی باشد یا نه و یا ارتکاب آن در امکانی است که معد برای پذیرش عموم باشد.»^۳ در رویه قضایی نیز «مقصود از ارتکاب عمل منافی عفت به طور علنی، عبارت است از اینکه عمل در مرئی و منظر عمومی واقع شود و یا مکانی که مستعد برای عموم باشد.»^۴ هرچند که مفهوم علنی بودن در قوانین کیفری ماهوی و شکلی، متفاوت است؛ اما حداقل از این لحاظ که هر دو به معنای مکان یا فضایی که امکان حضور همه‌ی افراد در آن می‌باشد، با یکدیگر شباهت دارند و قابل تطبیق می‌باشند. می‌توان گفت مفهوم و محتوای علنی بودن رسیدگی این است که علاوه بر اشخاصی که به عنوان شاکی، متهم، وکیل هر یک از آن‌ها، شاهد، کارشناس و ... در پرونده نقش دارند و توسط دادگاه به جلسه‌ی دادرسی دعوت می‌شوند، هر کس هم که به هر دلیل مایل به حضور در جلسات رسیدگی دادگاه باشد، می‌تواند بدون دعوت و احضار قبلی در دادگاه حاضر شده و جریان رسیدگی را از نزدیک مشاهده نماید.^۵ نتیجه‌ی این امر عدم امکان جلوگیری از ورود افراد فاقد سمت در پرونده به

۱ دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، جلد ۱۰، تهران، مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا، چاپ دوم از دوره‌ی جدید، ۱۳۷۷، ص ۱۲۶.
 ۲ جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، تهران، انتشارات گنج‌دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۸، صص ۲۶-۳۵.

۳ ماده‌ی ۲۱۴ مکرر قانون مجازات عمومی.

۴ رأی شماره‌ی ۴۱۳ مورخه‌ی ۱۳۱۸/۲/۳۱ صادره از شعبه‌ی دوم دیوان عالی کشور.

۵ همان طور که در آینده خواهیم گفت، علنی بودن، اختصاص به جلسات محاکمه در دادگاه دارد نه دادرسی.

جلسه‌ی دادگاه و عدم امکان خارج ساختن آن‌ها از این محل است. در این راستا نباید مانع ورود رسانه‌ها و مطبوعات نیز به جلسه دادگاه گردید تا بتوانند جریان رسیدگی را برای افرادی که نتوانسته‌اند شخصاً در جلسه‌ی رسیدگی شرکت کنند انعکاس دهند. پس «در بخش فرآیند رسیدگی، علنی بودن رسیدگی الزاماً با امکان حضور مطبوعات و رسانه‌های عمومی و البته عموم مردم علاقه‌مند محقق خواهد شد.»^۱ پس علنی بودن رسیدگی به معنای گشودن دادگاه و فرآیندهای قضایی به روی مردم است. وقتی گفته می‌شود محاکمه یا دادگاه علنی است، مقصود این است که استماع دعاوی در معرض ملاحظه‌ی عموم است به گونه‌ای که فرآیند رسیدگی و استماع در دادگاه برای عموم به ویژه از طریق مطبوعات و رسانه‌ها قابل ملاحظه خواهد بود. البته باید گفت که حضور افراد و رسانه‌ها در جلسات دادگاه و انتشار جریان دادرسی باید با ملاحظه‌ی حقوق متهم و بزه دیده انجام گیرد.

اما علنی بودن رسیدگی به معنای عدم کنترل وارد شوندگان نیست و از ورود کسانی که به سن لازم برای تشخیص اعمال خوب و بد نرسیده‌اند و شنیدن جزئیات ارتکاب برخی اعمال جنایتکارانه می‌تواند موجب فراگیری شیوه‌های ارتکاب جرم یا سبب آسیب روانی آن‌ها گردد جلوگیری به عمل خواهد آمد. در مواردی که ممنوعیت عام وجود ندارد و فقط به افراد یا گروه‌های خاصی اجازه‌ی ورود به دادگاه داده نمی‌شود، رسیدگی همچنان علنی است اما چنانچه جلسات دادگاه در محلی تشکیل شود که بر روی تنها در ورودی آن نوشته باشند «خصوصی»، بی‌تردید باید گفت که یکی از تضمین‌های دفاع متهم و حق حضور شهروندان در دادگاه نقض شده است؛ هرچند قاضی رسیدگی کننده قبلاً اعلام کرده باشد که در یک جلسه‌ی علنی به قضاوت خواهند نشست.^۲ علنی بودن رای دادگاه و اعلام آن نیز از الزامات علنی بودن رسیدگی و در حقیقت نتیجه اجرای فرآیند علنی بودن رسیدگی می‌باشد. با وجود اینکه اصل بر علنی بودن جلسات رسیدگی است و هر کس به نحوی از اشتغال دادگاه به امر کیفری مطلع گردد، حق دارد در وقت مقرر در شعبه‌ی رسیدگی کننده حاضر شده و جریان رسیدگی را از نزدیک مشاهده نماید، بدون اینکه قاضی

۱ قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰.

۲ جوانمرد، بهروز، تضمین‌های حقوق بشری یا اصول رسیدگی عادلانه در تحقیقات مقدماتی، ماهنامه‌ی دادرسی، سال یازدهم، شماره‌ی ۶۵، آذر و دی‌ماه ۱۳۸۶، ص ۲۱.

بتواند مانع حضور او در جلسه گردد، باید گفت که در برخی موارد محاکمات باید به صورت غیرعلنی برگزار گردد؛ اما در هر صورت اعلان رأی دادگاه باید به صورت علنی باشد. در جلسات غیرعلنی غیر از افرادی مانند متهم، شاکی، وکلای آن‌ها، کارشناس و شاهد که حضور آن‌ها لازم دانسته شده و از سوی دادگاه برای ارائه توضیحات احضار می‌شوند، دیگران حق حضور در جلسات رسیدگی را ندارند؛ به عبارت دیگر در این موارد جلسات دادگاه به روی عموم بسته است.

بخش دوم: مزایای علنی بودن رسیدگی کیفری

علنی برگزاری کردن محاکمات کیفری - علی‌رغم داشتن معایب - دارای فواید متعددی است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

الف) نظارت بر عملکرد دستگاه قضایی و آگاهی از اجرای عدالت
دستگاه قضایی هر کشور، وظیفه‌ی احقاق حق و اجرای عدالت را دارا می‌باشد. دادگاه‌ها باید به رسالت عظیم خود در این زمینه توجه کافی داشته تا بتوانند عدالت را به نحو صحیح اجرا کنند. اما در مواردی مشاهده می‌گردد که دادگاه‌ها به رسالت خود توجهی ننموده و به سوی خودکامگی پیش می‌روند؛ خصوصاً زمانی که دادگاه، استقلال لازم را نداشته باشند. علنی بودن رسیدگی که برخاسته از حق نظارت وجدان عمومی بر کار دستگاه قضایی است، به عنوان عامل مهمی در جلوگیری از پیدایش این وضع عمل می‌کند. علنی بودن باعث می‌گردد که قضاوت در پرتو نوعی پایش (کنترل) افکار عمومی قرار گیرد؛ بنابراین تضمینی مهم برای قضای شایسته محسوب می‌گردد. اگر قاضی احساس کند که مردم ناظر بر رفتار او هستند، مسلماً طوری رفتار خواهد کرد که دیگران بر او خرده نگیرند و سعی می‌کند که تمام ضوابط و مقررات قانونی را رعایت کند. اگر کسی جز قاضی، متهم و دادستان در دادگاه نباشد و جریان دادرسی و دفاعیات متهم به اطلاع مردم نرسد، دادگاه خود را آزادتر خواهد یافت تا از این طریق آن گونه که می‌خواهد عمل کند و در اینجاست که انحراف از عدالت توسط دستگاه قضایی محتمل خواهد بود چون «هیچ چیز سریع‌تر از محاکمات سری به اقدامات خودسرانه و غیرقانونی منتهی نخواهد شد.»^۱

۱ ماروین، زالمین و لاری، سیگل، دادرسی کیفری به عنوان حقوق بشر، ترجمه‌ی جلیل امیدی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال اول، تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۶.

نظارت افکار عمومی بر جریان رسیدگی، باعث افزایش دقت نظر قاضی در تجزیه و تحلیل امور موضوعی و حکمی شده و اشتباهات قضایی را کاهش می‌دهد. همچنین علنی بودن باعث می‌گردد که قاضی ضمن رعایت تمام موازین قانونی و بدون هرگونه تبعیض و جانبداری به پرونده رسیدگی کند و در نتیجه استقلال و بی‌طرفی او حفظ می‌گردد و عدالت در جامعه استقرار می‌یابد. «علنی بودن دادرسی منشأ سالم‌سازی دادگاه و جلوگیری از زمینه‌ی اعمال غرض‌ها و فساد می‌شود»^۱ و از این طریق سلامت و صلابت دستگاه قضایی نیز تأمین می‌گردد.

شفافیت در اعمال عدالت و نمایان ساختن آن از نتایج مفید علنی بودن دادرسی است؛ زیرا همان گونه که گفته‌اند کافی نیست که عدالت به مرحله‌ی اجرا درآید؛ علاوه بر آن عدالت با ملموس و رؤیت شدنی باشد.^۲ قابلیت رؤیت، استماع و فهم فرآیند کیفری جنبه‌های بسیار حائز اهمیتی از عدالت علنی می‌باشند. به برکت نظارت مردم و آگاه‌سازی توسط رسانه‌ها و مطبوعات، افراد از اجرای عدالت به صورت شفاف آگاهی پیدا کرده و از این طریق حقوق و آزادی‌های شهروندان از تجاوز مصون خواهد ماند.

ب) پیش‌گیری از وقوع جرایم

تأمین ابعاد مختلف امنیت از وظایف عمده‌ی دولت‌ها محسوب می‌گردد. یکی از پدیده‌های اجتماعی که امنیت داخلی و خارجی دولت‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد، بزهکاری است. پیش‌گیری از وقوع جرم یکی از موضوعات مهم و اساسی در حقوق کیفری محسوب می‌گردد. بالا بودن نرخ بزهکاری، کمبود فضای زندان‌ها و پر هزینه بودن ارتکاب جرم برای مردم و جامعه، اهمیت پیش‌گیری از وقوع جرم را افزایش می‌دهد. دولت‌ها به منظور حفظ و بقای امنیت از دیرباز از نظام کیفری بهره جسته و بدین‌سان در مقام پیش‌گیری از وقوع و تکرار جرم (پیش‌گیری کیفری) برآمده‌اند.^۳ هر چند آنچه از واژه پیش‌گیری از جرم به ذهن متبادر می‌شود مفهوم غیر کیفری و جرم‌شناختی آن؛ یعنی

۱ هاشمی‌شاهرودی، سید محمود، صحیفه‌ی عدالت (مجموعه‌ی بیانات)، جلد ۳، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه‌ی قضائیه، ۱۳۸۲، ص ۳۳۷.

۲ آشوری، محمد و دیگران، پیشین، ص ۳۴.

۳ نجفی‌ابرنادادی، علی حسین، پیش‌گیری عادلانه از جرم، علوم جنایی (مجموعه‌ی مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۵۹.

پیش‌گیری اجتماعی و وضعی است، اما نباید از اهمیت پیش‌گیری کیفری غافل بود؛ زیرا پیش‌گیری از نوع جرم‌شناختی آن بدون دورنمای کیفر اثر محدودی خواهد داشت. با دقت در قوانین کیفری می‌توان به این نکته پی برد که نوع و میزان مجازات، طریقه‌ی رسیدگی به جرایم و حتی در مواردی نحوه‌ی اجرای مجازات‌ها از سوی مقنن به گونه‌ای تنظیم یافته است که به عنوان عامل بازدارنده برای مرتکب جرم و سایر افراد جامعه بتواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. یکی از سازوکارهای پیش‌گیری، علاوه بر سرعت و قطعیت مجازات‌ها، علنی بودن محاکمات و اجرای مجازات تحت شرایط خاصی خواهد بود. این امر یکی از کارکردهای مثبت جرم‌شناختی علنی بودن رسیدگی است. البته باید گفت علنی بودن را بیشتر به عنوان تضمین حقوق دفاعی متهم، لازمه دادرسی عادلانه می‌دانند و کمتر به نقش پیش‌گیرانه‌ی آن توجه کرده‌اند. فرض بر آن است که در میان افراد جامعه، بزهکاران بالقوه نیز وجود دارد و یکی از بهترین شیوه‌ها برای جلوگیری از محقق شدن ارتکاب جرم از سوی این قبیل افراد، محاکمه و مجازات بزهکاران واقعی است. اگر بزهکاران بالقوه، شاهد دادرسی قاطع، سریع و صحیح بزهکاران بالفعل باشد تا حدودی از ارتکاب جرم منصرف می‌شوند و تجاوز به حقوق دیگران و ارتکاب جرم تا حدود زیادی کاهش می‌یابد. آگاهی یافتن نسبت به این امر که چه انواعی از مجازات در قبال جرایم ارتكابی اعمال می‌شوند در بردارنده‌ی تأثیر پیش‌گیرانه بر روی بزهکاران بالقوه می‌باشد. «علنی بودن دادرسی از جنبه‌ی مورد شناسایی عموم واقع شدن و خطر محکوم شدن و به زندان فرستاده شدن یا اعمال دیگر مجازات‌ها ممکن است حساسیتی را جهت ارتکاب جرم لااقل آن گونه که کیفرشناسان فایده‌گرا ادعا نموده‌اند، ایجاد نماید.»^۱ بنابراین علنی بودن دادگاه‌ها می‌تواند تأثیر پیش‌گیری عام از جرایم را از طریق قادر ساختن رسانه‌ها و عموم به آشنایی پیدا کردن با قضاوت‌های صورت گرفته نسبت به پرونده‌ها افزایش دهد. البته علنی بودن دادرسی به پیش‌گیری خاص از وقوع جرم نیز کمک می‌کند؛ به عبارت دیگر تأثیرات شرمسارکننده‌ی برگزار علنی محاکمه و محکوم شدن در مقابل مردم و رسانه‌ها و اعلان رأی می‌تواند باعث گردد که فرد بزهکار از تکرار جرم خودداری نماید. همچنین علنی بودن دادرسی و انعکاس اخبار مرتبط به آن در رسانه‌ها به شرط آن‌که همراه با تحلیل‌های کارشناسی و علمی و

۱ کاپتین، هنریک و مالچ نیکل، مارک، پیشین، ص ۱۷۶.

جرم‌شناختی باشد ممکن است به پیش‌گیری وضعی از جرم نیز کمک کند و خطر بزه‌دیده شدن را از طریق آگاهی مردم نسبت به شیوه‌های ارتکاب جرم کاهش دهد. حتی می‌توان گفت که ارتکاب برخی از جرایم در واقع حاکی از واکنش فرد نسبت به وضع ناعادلانه‌ی موجود در جامعه است. وقتی عموم مردم جامعه مشاهده نمایند که محاکمات به صورت علنی و منصفانه انجام می‌گیرد و حق کسی اعم از بزه‌دیده و متهم پایمال نمی‌گردد، در آن‌ها احساس عدالت وجود آمده و میزان ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. البته باید گفت عده‌ای کارکرد پیش‌گیرانه‌ی دادرسی علنی را به دلایلی مانند اینکه انعکاس اخبار مربوط به دادرسی و جرم در رسانه‌ها ممکن است کارآیی سازوکارهای کنترل بیرونی و درونی جرم را زایل سازد و تصویری تحقیرآمیز از نظام عدالت کیفری و نقش آن در پیش‌گیری از ارتکاب جرم را نشان دهد، را بسیار کم می‌دانند.^۱

ج) رعایت حقوق دفاعی متهم

حقوق دفاعی متهم امروزه به عنوان لازم لاینفک محاکمه‌ی منصفانه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قوانین و مقررات ملی کشورها مطرح و مورد حمایت قرار گرفته است. «حقوق دفاعی متهم، اجمالاً عبارت است از مجموعه‌ی امتیازات و امکاناتی که در یک دادرسی منصفانه لازم است متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف فرض برائت علیه او مطرح شده و در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع نماید.»^۲ این امتیازات چنان‌که در تعریف آمده است از مقدمات و مقتضیات منصفانه بودن محاکمات محسوب می‌گردد و نقض و نادیده گرفتن هر کدام از آن‌ها به تنهایی برای سلب وصف انصاف از محاکمه کافی تلقی می‌گردد. یکی از حقوق دفاعی متهم علنی بودن رسیدگی است که رعایت آن به نوبه‌ی خود باعث تضمین و رعایت سایر حقوق دفاعی متهم نیز می‌گردد؛ چون با برگزاری علنی رسیدگی، نادیده گرفتن حقوق فرد متهم به نحو چشم‌گیری کاهش می‌یابد. با وقوع جرم، به نظم جامعه آسیب و لطمه وارد می‌گردد و در نتیجه جامعه واکنش نشان می‌دهد. اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که «دفاع از جامعه نباید منجر به نادیده گرفتن حقوق متهمان گردد. مقررات آیین دادرسی کیفری باید به گونه‌ای تنظیم

۱ فرجیها، محمد، بازتاب رسانه‌ای جرم، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره‌ی ۲۲، ۱۳۸۶، ص ۷۹.

۲ امیدی، جلیل، دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم، علوم جنایی (مجموعه‌ی مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، پیشین، ص ۲۲۴.

گردد که علاوه بر رعایت حقوق جامعه بی‌گناه را نیز در اثبات بی‌گناهی خود یاری کند.^۱ در رسیدگی‌های کیفری از آنجا که مقام تعقیب یا رسیدگی از تمامی ساز و کارهای دولتی برخوردار است، اصل تساوی سلاح‌ها برای هر فرد تضمینی اساسی برای حق دفاع به شمار می‌رود. این اصل برخورداری متهم از فرصت و ابزار کافی برای تدارک و ارائه مدافعات خود را بر همان مبنایی که دادستان یا قاضی از آن‌ها بهره‌مند هستند، تضمین می‌نماید. علنی بودن دادرسی باعث می‌گردد که حقوق دفاعی متهم در پناه نگاه تیزبین عموم از تجاوز مصون بماند و امکان برخورداری از آن‌ها را برای وی فراهم می‌سازد. وقتی جلسه‌ی رسیدگی به صورت علنی برگزاری می‌گردد، متهم در برابر مقام قضایی، احساس تنهایی و ضعف نمی‌کند و اطمینان خاطر دارد که قاضی از بیم نظارت مردم هم که شده از هر گونه تبعیض و نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های او امتناع می‌کند. وقتی قاضی خود را در کانون توجه عموم می‌بیند تمام تلاش خود را صرف اجرای عدالت می‌نماید. از سوی دیگر دادستان نیز چون تحت نظارت و دید مردم قرار دارد تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا مدارک قوی‌تری برای مجرمیت متهم ارائه کند. هم‌چنین علنی بودن باعث می‌گردد «که از ادای سوگندهای دروغ و خلاف حقیقت توسط شهود جلوگیری گردد. اگر شهود بدانند که ممکن است دروغ آن‌ها منتشر گردد و دیگران نیز تشویق شوند که آنان را بی‌اعتبار سازند تمایل پیدا می‌کنند که حقیقت را بگویند.»^۲ با برگزاری علنی محاکمه، این فرصت برای متهم نیز وجود خواهد داشت که گواهی شهود را به چالش بکشد و یا خلاف واقع بودن آن‌ها را به اثبات برساند. هم‌چنین انتشار جریان دادرسی در مطبوعات ممکن است منجر به پیدا شدن شهود یا مدرک جدیدی برای متهم گردد که اثبات بی‌گناهی متهم را آسان‌تر کند. هرچند ممکن است که پس از پایان رسیدگی علنی، متهم، محکوم به مجازات گردد ولی فرآیند رسیدگی به گونه‌ای انجام شده است که چون تمامی حقوق دفاعی متهم رعایت گردیده، مردم و خود محکوم نیز مشاهده می‌کنند که در جریان یک دادرسی منصفانه و عادلانه به اتهامات رسیدگی و حکم مقتضی صادر گردیده است.

۱ آشوری، محمد، پیشین، ص ۱۱.

۲ انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۲۶۹.

د) جبران فقدان هیئت منصفه

یکی از ابزارهای تحقق دادرسی‌های مشارکتی و امکان دخالت قضاوت غیر حرفه‌ای در رسیدگی به پاره‌ای از امور، شرکت و حضور هیئت منصفه در جلسات رسیدگی کیفری است. حضور هیئت منصفه در دادگاه‌های جزایی و پشتیبانی از تحقق اجرای عدالت، حق دفاع متهم را پررنگ‌تر می‌کند و آن را قابل پذیرش می‌نماید. حضور اعضای هیئت منصفه در جلسات رسیدگی کیفری می‌تواند یکی از جلوه‌های بارز علنی بودن محاکمه باشد. اصولاً فلسفه‌ی وجودی این نهاد این است که افکار عمومی در ارزیابی لطمه‌ای که از جرم به نظم عمومی وارد شده است و همچنین تعیین واکنش مناسب نسبت به جرم دخالت داده شوند. از این رو دو رکن هیئت منصفه، دخالت افکار عمومی و اظهار نظر آنان در دادرسی-های کیفری است. در کشورهایی که حضور هیئت منصفه در محاکم آن عمومیت نیافته و محدود به جرایم خاصی است - مثل کشور ما که هیئت منصفه فقط در جرایم سیاسی و مطبوعاتی پیش‌بینی شده است^۱ - برگزاری علنی جلسات رسیدگی می‌تواند با فراهم نمودن امکان نظارت مردم و انعکاس نارضایتی آن‌ها از نحوه حق‌گزاری در محاکم دادگستری فقدان هیئت منصفه را تا حدی جبران نماید؛ زیرا قضاوت منفی افکار عمومی از نحوه رسیدگی و صدور حکم، در اغلب موارد نشان دهنده انحراف سیستم قضایی از موازین عدالت کیفری است. البته باید گفت که بهتر است شرکت هیئت منصفه در محاکمات را محدود به برخی جرایم کنیم مثل جرایمی که نقش افکار عمومی در ارزیابی آن بیشتر تعیین کننده است.

ه) ایجاد حس امنیت و اعتماد در میان مردم و مشارکت آنان در فرآیند کیفری

اصل ایجاد امنیت در جامعه به عنوان یکی از وظایف اساسی دستگاه حاکم با اجرای دقیق قانون و احترام به حقوق دیگران توسط افراد جامعه محقق می‌شود. حق بر امنیت یکی از حقوق بشری است و دولت‌ها مکلف هستند امنیت مالی، جانی، حیثیتی و قضایی شهروندان را تضمین و تأمین نمایند. لذا در دولت‌های مردم سالار که اعضای حکومت از بالا تا پایین با رأی مردم تغییر می‌کنند گفتمان امنیتی، گاه رأی‌آور است و مردم بیشتر به حزب و

شخصی رأی می‌دهند که تأمین امنیت مردم از هر لحاظ یکی از شعارهای اساسی او باشد.^۱ یکی از عوامل مهم در تحقق امنیت، به کیفر رساندن مجرمین و اثبات این امر است که در مقابل اعمال ضد قانون و مخل امنیت مثل ارباب، تهدید و ... در اجتماع، عدالت و امنیت توسط دادگاه‌ها و آن هم در فرآیند یک دادرسی عادلانه به مردم و جامعه بازگردانده می‌شود. علنی بودن محاکمه و پی‌گیری جریان دادرسی از سوی مردم در رسانه‌ها باعث می‌گردد که مردم مطمئن شوند، مجرم، نمی‌تواند با متمسک شدن به ابزارها و راه‌حل‌های غیرقانونی از چنگال عدالت فرار کند پس احساس امنیت خاطر می‌کنند و در مقابل می‌دانند که تا زمانی که در مسیر قانون و احترام به حقوق مردم و جامعه قدم بردارند، دستگاه قضایی از آن‌ها حمایت و هیچ کس حق تعرض به حقوق و آزادی‌های آن‌ها را نخواهد داشت. در واقع علنی بودن، تأثیر التیام بخشی برای جامعه دارد و با محاکمه‌ی متهم، آلام جامعه نیز تسکین می‌یابد. البته عده‌ای معتقدند که انتشار جریان دادرسی از طریق رسانه‌ها و آگاه شدن مردم از میزان ارتکاب جرایم، نشان دهنده‌ی این است که دستگاه قضایی و نیروهای پلیس نتوانسته‌اند موفق عمل کنند در نتیجه مردم احساس ناامنی می‌کنند. هم‌چنین چون رسانه‌ها به دنبال جذب مخاطب بیشتر هستند سعی می‌کنند جرایم خشونت‌آمیز - را که برای بیشتر مردم جذاب است - پوشش خبری دهند و با بزرگ-نمایی آن‌ها، موجب می‌گردند که مردم احساس ناامنی کنند. مخصوصاً اینکه انعکاس این اخبار موجب بروز نوعی ترس غیرواقعی در زنان در مورد خطر بزه‌دیدگی می‌گردند.^۲ در پاسخ باید گفت که پیام واضح محاکمات علنی به مردم این است که پس از ارتکاب جرم، طی یک دادرسی عادلانه، مجرم به سزای اعمال خود می‌رسد و به پدیده‌ی مجرمانه، پاسخ داده می‌شود. ضمن اینکه دستگیری و محاکمه متهم به صورت علنی نشانگر اقتدار دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی و پلیسی در برخورد با جرم و مجرم می‌باشد و مردم از این نظر احساس امنیت خواهند کرد. هم‌چنین این سخن که رسانه‌ها بیشتر جرایم خشونت‌آمیز را بازتاب می‌دهند به نحو اطلاق صحیح نیست و هم‌چنین برگزاری علنی محاکماتی که بزه-دیده‌ی آن‌ها زنان هستند، اگر در رسانه‌ها با نظرات کارشناسی و جرم‌شناختی همراه باشد،

۱ نجفی‌ابرنادادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (مختصر جرم‌شناسی)، تهیه و تنظیم: مجتبی جعفری،

۱۳۸۷، ص ۳۷.

۲ فرجیها، محمد، پیشین، صص ۶۶-۶۹.

موجب پیش‌گیری وضعی و جلوگیری از بزه‌دیدگی ثانویه می‌گردد. نقش دادرسی علنی در پیش‌گیری از وقوع جرم، نیز مؤید این موضوع است. برگزاری علنی محاکمات بر اساس قانون و اجرای عدالت باعث می‌گردد که مردم به دستگاه قضایی خود اعتماد کنند. چون فرض بر این است که در محاکمات علنی با حضور و نظارت مردم، قضات استقلال خود را حفظ کرده و حقوق دفاعی متهم و هم‌چنین حقوق بزه‌دیده را رعایت خواهند کرد. «در واقع علنی بودن دادرسی از محکمه رفع اتهام می‌کند و نظر و اعتماد عامه را جلب می‌کند.»^۱ برعکس انجام محاکمات سری و مخفیانه و بی‌توجهی به افکار عمومی باعث تردید در صحت عملکرد قوه قضائیه خواهد شد و شائبه نقض الزامات دادرسی عادلانه را تقویت خواهد کرد و در نتیجه بی‌اعتمادی به دستگاه قضایی شکل خواهد گرفت.

تجربه نشان داده است که دولت به تنهایی نمی‌تواند در عرصه‌ی چاره‌اندیشی نسبت به پدیده‌ی مجرمانه عمل کرده و مستقل کار کند. بلکه جامعه با ترکیبی از دولت و افراد آن جامعه می‌بایست در کنشی متقابل دست به دست هم داده و با کمک یکدیگر مجموعه‌ای از روش‌ها را پدید آورند که به پدیده‌ی مجرمانه‌ی جرم و انحراف پاسخ گوید. به عبارت دیگر امروزه با توجه به تقسیم نقش‌ها بین دولت و گروه‌های مختلف اجتماعی، یک سیاست جنایی مشارکتی ترسیم گردیده و نقش گروه‌های اجتماعی در حاشیه‌ی نظام کیفری گسترش یافته است. مردم با حضور در جلسه‌ی دادرسی و نظاره کردن جریان محاکمه یا دنبال کردن وقایع آن در رسانه‌های گروهی، به نوعی حضور و مشارکت خود را در فرآیند کیفری به منصفه ظهور می‌رسانند. دادرسی علنی و گزارش مطبوعات از جریان محاکمات «نقش عمومی و ارزیابی عموم را از عملکرد قانون بالا می‌برد.»^۲ با اجرای علنی محاکمات، قانون‌پذیری افراد با تکیه بر جنبه‌های آموزشی افزایش می‌یابد؛ زیرا علنی بودن رسیدگی یکی از راه‌های نشان دادن افراد به عنوان تبعیت‌کنندگان از قانون است.

رسیدگی علنی سبب تبادل نظر میان افراد جامعه و به دنبال آن پاسخ‌گویی نظام عدالت کیفری می‌گردد. انعکاس اخبار مربوط به جریان دادرسی - مخصوصاً اگر همراه با ارائه گزارش‌های تحلیلی در رسانه‌ها باشد - این فرصت را برای دست اندرکاران نظام عدالت

۱ هاشمی‌شاهرودی، سید محمود، صحیفه عدالت (مجموعه بیانات)، پیشین، ص ۳۳۷.

۲ انصاری، باقر، پیشین، ص ۲۶۹.

کیفری فراهم می‌کند تا نقاط ضعف و نارساهای موجود در فرآیند کیفری را شناسایی کنند و با اقدام در جهت رفع یا حذف این نواقص، کارآیی و اثربخشی نظام عدالت کیفری را ارتقا بخشند. چه بسا انتقادات سازنده‌ی مردم موجب اصلاح در قوانین شکلی و ماهوی گردد. هم‌چنین ایجاد حس امنیت و اعتماد در میان مردم تمایل آنان را برای مشارکت در پیشرفت و تعالی جامعه افزایش خواهد داد. برعکس در یک نظام مستبد و غیرمردم سالار که محاکمات به صورت غیرعلنی و سری برگزار می‌گردد، شهروندان تمایلی به مشارکت در پیشرفت اجتماع نخواهد داشت و این مسأله باعث رکود و عقب ماندگی اجتماع می‌گردد.

بخش سوم: معایب علنی بودن رسیدگی کیفری

با وجود فواید زیادی که برای علنی بودن رسیدگی، در مبحث قبل برشمردیم، باید گفت که علنی بودن رسیدگی دارای معایبی نیز می‌باشد. در این مبحث این معایب را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

الف) تعارض با نظریه برچسب‌زنی

نظریه برچسب‌زنی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی است. این نظریه اولین بار توسط «تannen بام» مطرح و توسط «هوارد بیکر» به تکامل رسید. مکاتب جرم‌شناسی واکنش اجتماعی از سال ۱۹۶۰ به بعد، جرم‌شناسی را دستخوش تحول نمودند. تا قبل از آن جرم‌شناسان شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و ... را علت ارتکاب جرم در جامعه می‌دانستند. اما با مطرح شدن جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، اقدامات دولت، دستگاه قضایی و نهادهای متولی امنیت نیز جرم‌زا تلقی شده‌اند. بر اساس نظریه‌ی برچسب‌زنی، فرد، رفتار خود را بر اساس قضاوت‌های دیگران تنظیم می‌کند و از منظر سایرین به خود می‌نگرد و تلاش دارد همان گونه که دیگران می‌خواهند زندگی نماید. بنابراین اگر در قضاوت دیگران به عنوان بزهکار شناخته شود به تدریج خود را بزهکار تلقی می‌نماید و به سمت بزهکاری سوق پیدا می‌کند. هرچند نمی‌توان انسان‌ها را موجوداتی منفعل دانست، اما باید پذیرفت که چگونگی دریافتی که دیگران از فرد دارند، آثاری مستقیم و واقعی بر این موضوع دارد که او چگونه به خویشتن بنگرد و چگونه رفتار کند؟ بر اساس این نظریه پلیس یا دستگاه کیفری با تحمیل برچسب مجرمیت به فرد باعث ایجاد جرم می‌شوند و فرآیند مجرم‌پروری از دستگاه قضایی نشأت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر جرم، نتیجه‌ی قانون‌گذاری و

اجرای ضمانت قانونی است.^۱ بنابراین هنگامی که یک فرد از سوی دیگران در قالب خاصی توصیف شود، در نتیجه‌ی فشار اجتماعی به تغییر ادراک از خویش و رفتار خود دست خواهد زد تا با این تعریف هماهنگ گردد. کسی که در طبقه‌بندی افراد بیمار قرار داده شود مثلاً شخص سالمی که در بیمارستان روانی بستری گردد پس از مدتی، رفتار وی دچار تغییر شده و سپس به تدریج به یک بیمار روانی تبدیل می‌گردد.^۲ مراحل چهارگانه‌ای که در نظریه‌ی برچسب‌زنی مطرح می‌گردد عبارتند از: ۱- وارد کردن برچسب منفی ۲- بدنامی ۳- شکل گرفتن هویتی جدید در واکنش به وارد آمدن برچسب منفی ۴- پای‌بند شدن فرد به هویت جدید با تکیه بر نقش‌ها و مناسبات در دسترس.^۳

البته، باید گفت به این نظریه ایراداتی وارد شده است؛ از جمله اینکه، چگونگی شکل‌گیری جرم اولیه، مشخص نشده است و همچنین در مورد کیفیت پاسخ به جرم، مانند پاسخ‌های اجتماعی و ترمیمی مناسب، صحبتی نکرده است.

حال تصور کنید، فردی که با تشریفات خاصی تحت تعقیب قرار گرفته و در یک جلسه‌ی علنی در دادگاه، محاکمه می‌گردد؛ در این صورت عده‌ای که در جلسه‌ی دادگاه شرکت کرده و او را می‌شناسند، به وی برچسب بزهکاری می‌زنند، حتی اگر آن فرد محکوم نگردد. اگر در این زمینه رسانه‌ها نیز به طور رسمی، اقدام به معرفی نمودن وی به عنوان یک مجرم نمایند از آن شخص انتظار می‌رود که مجرم گونه رفتار کند و خود فرد نیز خودش را مجرم تلقی می‌کند. هرچند در واقع ممکن است اتهام وی به اثبات نرسیده باشد و شاید همین امر باعث گردد که او در جریان دادرسی نتواند به طور مناسب از خود دفاع نماید، یا اصلاً دفاع ننماید؛ زیرا این گونه تصور می‌کند حال که به زعم افراد جامعه و رسانه‌های جمعی و افکار عمومی به عنوان مجرم تلقی شده، دفاعیات او کاربرد زیادی نداشته باشد. این مسئله در شهرهای کوچک بیشتر نمود دارد.

۱ نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره‌ی دکتری (عدالت ترمیمی)، دانشگاه تربیت مدرس، تهیه و تنظیم: محسن برهانی و امیرحمزه زینالی، سال تحصیلی ۱۳۸۲-۱۳۸۳، ص ۵.

۲ نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین و هاشم‌بیگی، حمید، دانشنامه‌ی جرم‌شناسی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۲۰۴.

۳ وایت، راب و هینز، فیونا، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه‌ی علی سلیمی، قم، پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه، چاپ اول، بی‌تا، ص ۱۹۳.

برای جلوگیری از این وضعیت، بهتر است که علنی بودن رسیدگی کیفری در جرایم مهم مورد لحاظ قرار گیرد. به عبارت دیگر در جرایم کوچک و خرد معایب علنی بودن رسیدگی از این نظر، از فواید و مزایای آن بیشتر است؛ یعنی در جرایم کوچک و خرد، توجه به مصالح بزهکار اقتضا می‌کند که او برچسب مجرمیت از طریق علنی بودن رسیدگی کیفری نخورد و جلسه به صورت غیرعلنی برگزار گردد.

(ب) خطر پیش داورى و آسیب به اصل برائت

اصل برائت کیفری، یا فرض بی‌گناهی یکی از مهم‌ترین اصول و قواعد عمومی هدایتگر حقوق جزاست. در گذشته، هدف از این اصل، جلوگیری از صدور احکام محکومیت مبتنی بر دلایل ظنی بود و قلمرو آن به مرحله‌ی دادرسی محدود بود. اما امروزه در نظام‌های نوین دادرسی با توسعه بخشیدن به مفهوم آن، از آن کارکردی به منظور تضمین احساس امنیت و آزادی افراد جامعه انتظار می‌رود.^۱

پیش‌بینی اصل برائت، یکی از تدابیر اتخاذ شده در جهت حفظ امنیت روانی و ثبات اجتماعی و معنوی افراد جامعه می‌باشد. ورود این اصل در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، حکایت از دغدغه‌های جامعه جهانی و افکار عمومی در نقض آزادی‌های فردی و اجتماعی افراد بشر دارد.

هرچند علنی بودن رسیدگی کیفری، یکی از عناصر مهم تضمین دادرسی منصفانه است اما ممکن است به بی‌عدالتی و حتی گمراهی مردم، هیئت منصفه و قاضی منجر گردد. انتشار جریان رسیدگی از طریق رسانه‌ها و بزرگ نمایی قسمت‌های خاصی از پرونده در طرفداری از بزه‌دیده‌ی جرم، باعث می‌گردد که فرض بی‌گناهی متهم حداقل تا قبل از صدور حکم کمرنگ گردد؛ یعنی ممکن است با تبلیغات رسانه‌ها، فرد متهم، در نظر افکار عمومی جامعه، محکوم تلقی گردد. این باور عمومی ممکن است از طریق تبلیغات سنگین رسانه‌های گروهی یا هیئت منصفه بر تصمیم قاضی تأثیرگذار باشد؛ به گونه‌ای که مردم قبل از خاتمه‌ی دادرسی و صدور رأی، فرد متهم را مجرم دانسته و توقع صدور یک رأی خاص را از قاضی داشته باشند. البته ممکن است به دلایلی، رسانه‌ها و افکار عمومی و هیئت

۱ شاملو، باقر، اصل برائت در نظام‌های نوین دادرسی، علوم جنایی (مجموعه‌ی مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، پیشین، ص ۲۶۲.

منصفه از شخصی طرفداری کرده، در حالی که او در واقع، مرتکب جرم و مستحق مجازات بوده است. در اینجا نیز ممکن است صدور حکم محکومیت او از جانب دادگاه موجب اعتراض گسترده‌ی افکار عمومی گردد. در هر دو صورت دادرسی از حالت عادلانه خارج می‌گردد.

ج) توجه به جنبه‌ی سزادهی و عدم توجه به اصلاح و بازپذیری بزهکار در طول تاریخ، همواره رویکردهای مختلفی نسبت به مجازات‌ها وجود داشته است. در هر دوره، کارکرد خاصی برای مجازات مدنظر بوده است. طبیعتاً این رویکردها قابلیت انطباق بر فرآیند رسیدگی و اصول آن که نتیجه‌ی آن اجرای مجازات‌ها می‌باشد را نیز دارا می‌باشند. در دوران غلبه‌ی مکتب کلاسیک، تنها به رسالت سزادهی کیفر و مجازات مجرم تأکید می‌شد و مجرم و شخصیت او تأثیری در میزان و نوع مجازات نداشت. در دوره‌ی بعد که دوره‌ی جرم‌شناسانه شدن حقوق کیفری قلمداد می‌شود، به فایده‌گرا بودن اقدامات کیفری توجه می‌گردد.

دوره سوم، مرحله‌ی حقوق بشری شدن نظام کیفری است. در این دوره عدالت کیفری انسان‌مدار، مطرح شد که به موجب این دیدگاه، در واقع، انسانیت انسان باید در نظام کیفری لحاظ گردد و مجرم از دست رفته، تلقی نمی‌گردد و بدین ترتیب بحث اصلاح و درمان مجرم، هم جنبه‌ی علمی و هم جنبه‌ی فلسفی پیدا کرد. از این منظر، مجرم کرامت دارد و قابل احیاء و نجات است. بدین ترتیب از این دوران بحث بازپروری و بازسازی و احیای مجرم مطرح گردید. این دیدگاه به جنبش دفاع اجتماعی «مارک آنسل» تعلق دارد. البته در این راستا دیدگاه افراطی نیز توسط جرم‌شناسانی چون «گراماتیکا» تحت عنوان الغای نظام کیفری مطرح شد. حقوق بشری شدن حقوق جزا، سبب شد مجازات‌ها تعدیل شود؛ قطعیت، حتمیت و شدت آن تابع نیازهای مجرم حذف، تعدیل و تخفیف داده می‌شود و بعد سزادهی اقدامات کیفری کم‌رنگ و مسأله‌ی فایده‌ی مجازات‌ها مطرح می‌گردد. در مخالفت با گروه سوم و به بهانه‌ی شکست فایده‌گرایی و اصلاح و درمان دو جهت‌گیری عمده مطرح شد: یکی جنبش بازگشت به کیفر و احیای جوهره‌ی سزادهی حقوق کیفری است که حقوق کیفری را مجدداً جرم‌مدار و مجرم‌مدار می‌کند و دیگری، حقوق کیفری را از جرم و مجازات دور کرده و آن را به سمت شاکی و بزه‌دیده می‌برد. این گونه گرایش همان

چیزی است که امروزه تحت عنوان عدالت ترمیمی و رویکرد ترمیمی مطرح است.^۱ اما علی‌رغم برخی ادعاها درخصوص شکست سیاست اصلاح و درمان، هنوز اجماعی در این زمینه وجود ندارد و طرفداران آن معتقدند که اگر این سیاست شکست خورده است یا به دلیل عدم سیاست‌گذاری و عدم سرمایه‌گذاری کافی دولت‌ها برده است و یا به دلیل عدم تربیت نیروی کافی. این دلایل باعث شده است که سیاست اصلاح و درمان روی کاغذ مانده و به منصفی ظهور نرسد. هم‌چنین به رغم اعلام بیان منفی سیاست اصلاح و درمان و به رغم ظهور جنبش بازگشت به کیفر، ملاحظه می‌کنیم که در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی در کنار تکلیف دولت‌ها به مجازات مجرمین، اصلاح و بازگرداندن مجرمین به جامعه مورد تأکید قرار گرفته است.^۲ از طرف دیگر این رویکرد یک سیاست انسانی و حقوق بشری و در جهت رعایت کرامت انسانی است و باید مورد توجه قرار گیرد. علنی بودن رسیدگی مبتنی بر رویکرد عدالت کیفری سنتی یا عدالت کیفری بر پایه‌ی سزادهی می‌باشد و عدالت ترمیمی بیشتر به صورت غیرعلنی یا محرمانه است. انتشار آزاد جریان رسیدگی و اخبار مربوط به آن، عملاً هدف اصلاح و درمان مجرمین را تا حدی تحت الشعاع قرار داده و بیش از پیش بر جنبه‌های سزادهی عدالت کیفری تأکید می‌کند. در این صورت علاوه بر مجازات قانونی، یک مجازات مضاعف اجتماعی یا در اصطلاح جرم‌شناسان یک «مجازات کمانه‌ای» نیز در انتظار فرد است. مجرم در افکار عمومی همیشه مجرم باقی می‌ماند و این مسأله به سد محکمی در راه باز پذیرگی و اصلاح او تبدیل می‌گردد. حتی اگر حکم برائت فرد نیز صادر گردد باز این وضعیت وجود دارد و فرد فرصت کمتری برای بازگشت به اجتماع و شروع یک زندگی عادی را پس از تحمل مجازات دارد. چون همه با او مانند یک مجرم برخورد کرده و به او اعتماد نمی‌کنند. در چنین وضعیتی چه بسا فرد، مرتکب جرم نیز گردد؛ زیرا فرد در این موقعیت برای خود اعتبار، حیثیت و جایگاهی نمی‌بیند که بخواهد برای صیانت از آن‌ها از ارتکاب جرم خودداری می‌کند. در نتیجه تا حدودی هدف اصلاح و بازپروری مجرم که یکی از اهداف مهم مجازات است تحقق نمی‌یابد.

۱ نجفی‌ابرندآبادی، علی‌حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (مباحثی در علوم جنایی، بازپروری بزهکاران)، دوره‌ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهیه و تنظیم: سلمان عمرانی، نیمسال اول تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷، صص ۲۴۰۹-۲۳۹۵.
۲ ماده‌ی ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱۰ ماده‌ی ۳۰ کنوانسیون مریدا.

(د) آسیب به حیثیت بزه‌دیدگان برخی جرایم

هرچند علنی بودن رسیدگی امکان مشارکت بزه‌دیده را در فرآیند رسیدگی فراهم و به او این امکان را می‌دهد که از جریان رسیدگی و دلایل آگاه گردد و همچنین قابلیت رؤیت عدالت و توجیه تصمیمات دادگاه برای او وجود داشته باشد اما باید گفت که علنی بودن رسیدگی و حریم خصوصی بزه‌دیده، به طور اجتناب‌ناپذیر با هم تعارض دارند. از یک سو این احتمال وجود دارد که از رهگذر تحقیق در پرونده و انتشار جزئیات آن از جمله هویت وی در دادگاه و انعکاس آن از سوی رسانه‌ها، منجر به بزه‌دیدگی ثانویه گردد و از سوی دیگر محاکمه غیرعلنی ممکن است حق دادرسی منصفانه را برای متهم مخدوش سازد.

در جرایم خشونت‌آمیز و جنسی که اغلب بزه‌دیدگان زنان هستند، این مسأله دارای اهمیت بیشتری است. بنابراین دادگاه و سیستم قضایی باید برای بزه‌دیده این امنیت خاطر را به وجود آورد که هویت آن‌ها حفظ می‌گردد و از سوی دیگر از آن‌ها در مقابل انتقام‌گیری‌های شخصی، تهدیدها و بزه‌دیدگی ثانویه حمایت می‌شود. در نتیجه، اهمیت ایجاد فضای امن برای بزه‌دیده به منظور همکاری با دادگاه، مضاعف جلوه می‌نماید. لازم به ذکر است که خطر آسیب‌های حیثیتی متوجه خانواده و بستگان بزه‌دیده نیز می‌گردد.

بسیاری از بزه‌دیدگان این جرایم به خاطر ترس از پرسش تحقیرآمیز و نامربوط در دادگاه، مثلاً پرسش در مورد پیشینه جنسی، از اعلام جرم خودداری می‌کنند. بزه‌دیدگان جرایم جنسی و خشونت‌آمیز کمتر علاقه‌مند به اعلام وقوع جرم به مقامات صالح و مشارکت در فرآیند کیفری می‌باشند. این امر به دلیل آن است که نسبت به قربانیان این جرایم یک دیدگاه منفی در جامعه وجود دارد. از سوی دیگر ماهیت این جرایم نیز تحقیرآمیز و مایه‌ی بدنامی بزه‌دیدگان خواهد بود. پس علنی بودن محاکمه و انتشار آن توسط رسانه‌ها، موجب خودداری آن‌ها از شکایت می‌گردد و موجب افزایش رقم سیاه این جرایم می‌گردد. از سوی دیگر پی‌گیری شکایت توسط آن‌ها منجر به آسیب‌پذیری مجدد آن‌ها در جامعه شده و راه را برای توانمندسازی مجدد آن‌ها می‌بندد. جهت کاهش این خطرات در برخی نظام‌ها تدابیری در نظر گرفته شده است. از جمله می‌توان به عدم حضور در صحن دادگاه در برابر متهم یا شهادت از طریق دوربین مدار بسته اشاره کرد. مثلاً در هلند دادرسی تحقیق می‌تواند به طور خصوصی گفته‌های بزه‌دیده‌ی تجاوز جنسی را استماع کند و در این صورت

بزه‌دیده مجبور نیست که بعداً در جلسه‌ی رسیدگی علنی گواهی دهد.^۱

ه) تقلیل یافتن قبح ارتکاب جرایم

این موضوع بیشتر به مباحث جامعه‌شناسی جنایی مربوط می‌شود. باید گفت که از رقم سیاه (بخش تاریک بزهکاری) در جرم‌شناسی به عنوان پاشنه‌ی آشیل این رشته یاد می‌کنند؛ زیرا جرم‌شناسی به دنبال علل پیدایش جرم و درمان آن می‌باشد. بنابراین جرم-شناس باید از جرایمی که در جامعه اتفاق می‌افتد باخبر باشد تا ضمن پیدا کردن علل آن‌ها، در ریشه کردن آن‌ها نیز بکوشد. اما در جامعه‌شناسی جنایی، رقم سیاه دارای یک کارکرد مثبت می‌باشد. توضیح اینکه مردم جامعه تصور می‌کنند، مجازات‌هایی که برای انواع مختلف جرایم پیش‌بینی شده تا حدود زیادی مانع وقوع جرم در جامعه گردیده و باعث کاهش ارتکاب جرم گردیده است. جهل به واقعیات مجرمانه، افراد را قانون‌مدار می‌کند. با این تصور، هیبت مجازات‌ها و دستگاه عدالت کیفری در جامعه حفظ گردیده و ارتکاب جرم کمتر می‌شود. علنی بودن رسیدگی و بازتاب جریان دادرسی و ارتکاب جرم در جامعه توسط رسانه‌ها باعث می‌گردد که قبح و زشتی رفتارهای مجرمانه در جامعه از بین برود و وقوع جرم و اجرای مجازات‌ها به دنبال آن، امر عادی و طبیعی نشان داده شود. در این شرایط اجتماع پس از مدتی به این زشتی‌ها عادت پیدا کرده و زمینه‌ی سقوط ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای زندگی سالم مهیا می‌گردد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که رسانه‌ها در پوشش خبری حوادث جنایی به طور محتاطانه‌تری برخورد کنند. هم‌چنین می‌توان گفت که علنی بودن رسیدگی و انتشار اخبار مربوط به آن در رسانه‌ها باعث آموزش شیوه‌های بزهکاری به مجرمین بالقوه در جامعه می‌گردد. اما چون جزئیات دقیق و مسائل ریز چگونگی ارتکاب جرم، در رسانه‌ها چندان منعکس نمی‌گردد، شاید در عمل مشکل زیادی در این خصوص پیش نیاید. در پایان باید گفت که علنی برگزار کردن محاکمات کیفری اهداف زیادی را دنبال می‌کند و دارای فواید و مزیت‌های زیادی است که برشمردیم. و طبیعتاً فواید آن بیشتر از معایب آن می‌باشد. اما باید تلاش کنیم که این معایب را نیز برطرف کنیم تا جامعه از این اصل مرتقی، نهایت استفاده را کند.

۱ اداره‌ی کنترل مواد مخدر و پیش‌گیری از جرم سازمان ملل متحد، مرکز بین‌المللی پیش‌گیری از جرم، عدالت برای بزه‌دیدگان، ترجمه‌ی علی شایان، تهران، انتشارات سلسبیل، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۷۷.

نتیجه گیری

فواید علنی بودن رسیدگی کیفری مسلماً بیشتر از معایب آن است، مزایای آن از نظر گذشت و به عنوان جمع بندی باید اذعان داشت یکی از ضرورت‌های مهم رسیدگی‌های کیفری است و با موازین حقوق بشر همخوانی کامل دارد. مبانی نظری پذیرش این اصل عبارتند از: حق متهم و مصلحت اجتماع. اما باید بر این نکته تأکید کرد که در این راستا باید به حق متهم و مصلحت اجتماع، هر دو، توجه کرد؛ به عبارت دیگر اندیشه‌ی تداخل منافع فردی و جمعی را باید تقویت کرد و دست از اندیشه‌ی تقابل برداشت؛ زیرا این طرز تفکر می‌تواند منشأ انحراف باشد. حقوق شهروندان در جامعه‌ی دموکراتیک تأمین می‌شود و جامعه، وقتی در شرایط دموکراتیک است که حقوق شهروندان را رعایت کند. در این جامعه، حقوق فردی و جمعی تداخل می‌کنند و به صورت یک‌جا مورد توجه و حمایت قرار می‌گیرند.

منابع و مآخذ

- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۸.
- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، چاپ دهم، ۱۳۸۴.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۲.
- امیدی، جلیل، تفسیر قانون در حقوق جزا، تهران، انتشارات جاودانه، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه‌ی اسناد بین‌المللی حقوق بشر (اسناد منطقه‌ای)، جلد دوم، تهران، انتشارات جنگل، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
- انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- ایرانی ارباطی، بابک، مجموعه‌ی نظریه‌های مشورتی جزایی، جلد اول، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، دوره‌ی ۵ جلدی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
- جوانمرد، بهروز، فرآیند دادرسی در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات بهنامی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت نامه، جلد دهم، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات دهخدا، چاپ دوم از دوره‌ی جدید، ۱۳۷۷.
- صبری، نور محمد، هیئت منصفه (مطالعه‌ی تطبیقی)، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- صورت مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره‌ی تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی، جلد چهارم، ۱۳۶۸.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲.

- عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- فضائلی، مصطفی، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- کاتین، هنریک و مالچ نیکل، مارک، جرم، بزه‌دیدگان و عدالت (مقالاتی در مورد اصول و رویه)، ترجمه‌ی امیر سماواتی پیروز تهران، انتشارات خلیلیان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- گاستون استعانی و لواسور، ژرژ و بلوک، برنار، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، ترجمه-ی حسن دادبان، تهران، انتشارات علامه طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- گلدومت جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- لارگیه، ژان، آیین دادرسی کیفری، ترجمه‌ی حسن کاشفی اسمعیل زاده، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- مجموعه‌ی قوانین و مقررات آیین دادرسی کیفری، جلد اول، اداره‌ی چاپ و انتشار معاونت تدوین، تنفیص و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، چاپ دهم، ۱۳۸۸.
- مرعشی شوشتری، سید محمد حسن، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- ماروین، زالمین و لاری، سیگل، دادرسی کیفری به عنوان حقوق بشر، ترجمه‌ی جلیل امیدی، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال اول، تابستان ۱۳۸۳.
- مؤذن زادگان، حسن علی، حقوق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوقی، شماره‌ی ۹، ۱۳۷۷.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی (مجموعه

- مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- نیکویی، سمیه، الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه، مجله‌ی حقوق دادگستری، مال هفتم، شماره‌ی ۵۶-۵۷ پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، امام علی (ع) و اصول قضاوت، مجله‌ی فقه اهل بیت، شماره‌ی ۳۳، ۱۳۸۰.